

دوستان یا متخصصان مطرح می‌شد، استاد با روی گشاده و تواضعی مثال‌زدنی، برای اصلاح و بهبود اثرشان اقدام می‌کردند. این نشان می‌دهد ایشان همواره در پی کمال بودند و هیچ‌گاه خود را بی‌نیاز از بازنگری و ارتقا نمی‌دیدند. خانم کفیلی خاطره‌ای از اصلاح بسیار ظریف و کوچک در جزئیات تابلو هدیه عشق را به یاد می‌آورد که گواه این دقت عاشقانه است؛ تلاشی برای رساندن هر اثر به اوج کمالی که در ذهن و قلبشان نقش بسته بود. این فروتنی، خود اوج کمال‌گرایی بود.

■ **ضامن آهو؛ پیوند ناگسستنی با ساحت قدسی رضوی**
ارادت استاد به آستان قدس رضوی، تنها به اهدای آثار محدود نمی‌شد، بلکه با تعهدی عمیق به نمایش و حفظ آن‌ها همراه بود. خانم کفیلی به یاد می‌آورد که در همان روزهای نخست، همکاران موزه با دیدن شکوه و عظمت آثار استاد، از ایشان درخواست کردند تابلو مشهور «ضامن آهو» را نیز به موزه هدیه کنند. استاد با تواضع پاسخ دادند این اثر را به خانواده‌شان تقدیم کرده‌اند، اما ارادت ایشان به آستان قدس و هنر والایشان، مانع از رد این درخواست شد. این پیش نهاد، نه تنها درخواستی از یک هنرمند، که گواه پیوند عمیق استاد با ساحت قدسی رضوی بود. استاد قول دادند تابلویی جدید با همین مضمون برای موزه خلق کنند و سال‌ها بعد «ضامن آهو ۲» را به تصویر کشیدند و آن را به موزه آستان قدس تقدیم کردند.

با افزایش تعداد آثار استاد، نیاز به فضایی اختصاصی برای نمایش آن‌ها احساس شد. در سال ۱۳۸۹، با حمایت مدیران وقت و تلاش‌های کارشناسان موزه، تالاری اختصاصی به آثار استاد اختصاص یافت. خانم کفیلی که در آن زمان مسئول اداره پژوهش موزه بود، به یاد می‌آورد که این تالار با نظارت مستقیم و تأکید خود استاد بر رعایت اصول استاندارد موزه‌داری، از لحاظ نور، دما، رطوبت، رنگ‌آمیزی و شیوه ارائه بهینه‌سازی شد تا آثار به بهترین وجه و با کمترین آسیب به نمایش درآیند. این تالار که تاکنون دو مرتبه با بهترین شیوه از نظر نور و اجرای نمایش آثار بازچیدمان شده، امروز همچون نگارخانه‌ای از نور، میزبان جان‌بخش‌ترین آثار او است. استاد حتی پس از وقف، قلبشان برای این آثار می‌تپید؛ ایشان در آخرین تشریف‌فرمایی خود به مشهد، یک وقف‌نامه تنظیم کرده و نام تمامی ۱۷ اثر خود را در آن ذکر و رسماً این آثار را وقف موزه آستان قدس کردند. تا زمانی که استاد توانایی تماس و صحبت داشتند، همواره با مسئولان موزه در تماس بودند تا اطمینان حاصل کنند مجموعه آثارشان به بهترین نحو نمایش داده شود و برای همیشه ماندگار بماند و اطلاعات لازم را برای راهنمایی بازدیدکنندگان ارائه می‌دادند.

■ **میراثی فراتر از نقش؛ جوهره‌ای ماندگار برای نسل‌ها**
استاد فرشچیان، میراثی فراتر از نقش و رنگ برای هنر ایران به یادگار گذاشتند؛ او خود، یک مکتب بود. خانم کفیلی توصیه‌ای حکیمانه برای هنرمندان جوان دارد؛ توصیه‌ای از جنس حکمت، برای رهروان راه هنر: «نکته‌ای که به جوانان توصیه می‌کنم این است تنها به تقلید صرف از فرم و ظاهر هنر استاد بسنده نکنند. در حقیقت باید تمامیت وجودی استاد را در آغوش بکشند.

ضمن حفظ حرمت و جایگاه ایشان، بر منش، فلسفه و شیوه فکری ایشان نیز تأکید ورزند و آن را درک کنند». او با مثالی زیبا و پرمعنا این توصیه را تکمیل می‌کند: «زیرا قالب و ظاهر اثر که می‌توان آن را به لباس رویی تشبیه کرد، ممکن است با گذر زمان تغییر کند یا به کناری نهاده شود، اما آنچه ماندگار و ارزشمند است، مغز و جوهره فکری و معنوی کار است که از عمق جان و اندیشه استاد سرچشمه می‌گرفت. این مغز و روح است که باید آموخته و پاس داشته شود».

استاد محمود فرشچیان، نگارگری بود که با قلمش نه تنها بر بوم، که بر جان‌ها نقش می‌بست. او با فروغ فروتنی، عشق الهی، ایمان عمیق و کمال‌گرایی عاشقانه، میراثی جامع از هنر و انسانیت را برای نسل‌های آینده به یادگار گذاشت. یادش در گنجینه دل‌ها جاودان و روح پرفروش قرین رحمت الهی باد.

اوج قرار گیرد. حتی در انتخاب رنگ‌ها نیز حکمت و ظرافت نظر داشتند. به عنوان مثال در تابلو «عصر عاشورا» توضیح می‌دادند چون در اسلام رنگ سیاه مکروه است، ایشان از رنگ کبود برای پوشش بانوان کربلا استفاده کرده‌اند. این دقت و ظرافت، نشان از شناخت عمیق استاد از نمادهای مذهبی و فرهنگی دارد و هنری را خلق می‌کردند که از قید زمان و مکان رهاست.

■ **دقت عاشقانه، نه وسواس هنری؛ کمال‌گرایی در خدمت جان هنر**

در گفت‌وگو با خانم کفیلی به موضوع دقت و حساسیت استاد در خلق آثارشان اشاره می‌شود. او با ظرافتی خاص، نکته‌ای کلیدی را متذکر می‌شود: من واژه وسواس هنری را برای استاد قبول ندارم. ایشان وسواس نداشتند، بلکه دقت‌نظر در کارشان بی‌نظیر بود. این دقت‌نظر، ریشه در عشقی بی‌کran به هنر و تعهدی بی‌مانند به کمال و همچنین دغدغه ایشان برای ماندگاری آثار در طول زمان داشت. استاد همواره تأکید می‌کردند این آثار تنها متعلق به امروز نیستند و باید حداقل ۳۰۰ تا ۴۰۰ سال عمر کنند و به نسل‌های آینده منتقل شوند، چرا که دیگر متعلق به مردم و جامعه هستند. گویی هر تار مو، هر چین لباس، هر قطره اشک، با جان و دل نقش می‌بست. او ادامه می‌دهد: چه خودشان به نکته‌ای پی می‌بردند و چه نقدی سازنده از سوی

استاد نیز با نهایت صمیمیت و گشاده‌رویی به سؤالات پاسخ می‌دادند که این خود برای کارکنان موزه بسیار گرانبها بود. حتی زمانی که محل کار خانم کفیلی به کتابخانه کوچکی در موزه منتقل شده بود، استاد با دیدن این صحنه، با نگاهی سرشار از تحسین و مهر فرمودند: «چه مدیر فرهیخته‌ای!» این کلام، نه تنها ستایشی از یک مدیر، که نشان از نگاه ژرف استاد به ارزش علم و جایگاه فرهنگ بود.

■ **تجلی عشق الهی در بوم و رنگ؛ ارادت بی‌شائبه به اهل بیت (ع)**

قلب استاد فرشچیان مالا مال از عشق الهی و ارادت بی‌شائبه به خاندان عصمت و طهارت (ع) بود و قلمش، مترجم این ارادت بر بوم. خانم کفیلی تأکید می‌کند برای درک عمق این ارادت، کافی است به مجموعه بی‌نظیر نقاشی‌های مذهبی ایشان بنگریم؛ آثاری که نه تنها چشم را می‌نوازند، که روح را سیراب می‌کنند و از نظر محتوا و تأثیرگذاری روحی نیز بی‌همتا هستند. روح مذهب و ستایش پروردگار در تمامی آثار استاد موج می‌زند.

هر نقش، آینه‌ای از باورهای ریشه‌دار و دانش وسیع استاد از رنگ‌ها، نمادها و عناصر تجسمی است. دقت نظر استاد در انتخاب جزئیات، مثال‌زدنی است؛ ایشان به‌خوبی می‌دانستند کدام پرنده در پایین، کدام در مرکز و کدام در

